

تحلیلی بر حدیث «ادعای شیعه‌گری به صرف محبت اهل بیت (علیهم‌السلام)»

hadivahdanifar820@gmail.com

هادی وحدانی‌فر / استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید باهنر کرمان

پذیرش: ۹۶/۱/۳۰

دریافت: ۹۵/۹/۲۹

چکیده

تلقی دوست داشتن بدون اینکه عملی به همراه داشته باشد، یک رویکرد شایع و سطحی است که جریان انحرافی یک مکتب را به همراه دارد. حدیث جابر از جمله احادیث معتبر شیعه است که در آن، امام باقر (علیه‌السلام) سیمای شیعیان واقعی و مدعیان آن را معرفی کرده‌اند. این حدیث پیوند ناگسستنی «مرید و مراد» و «محب و محبوب» را به خوبی ترسیم می‌کند و با رویکرد عمل‌گرایی، از محبت تنها عبور کرده و محبت بدون عمل را تصور انحرافی دانسته و پیامدهای آن را شقاوت و بدبختی معرفی نموده است. امام باقر (علیه‌السلام) با بیان ۱۷ شاخصه اعتقادی، اخلاقی و تربیتی، مسلمان و شیعه واقعی را معرفی می‌کنند. ایشان از پیروان خود می‌خواهند این اوصاف را در نفس و رفتار خود به کار گیرند. «تقوای الهی» و «اطاعت از خدا» دو شاخصه مهم و اصلی است که مدیریت اعتقادی و عملی شیعه واقعی را رقم می‌زند. کاربرد این صفات در کنار دیگر صفات ۱۵ گانه، سعادت فرد و اجتماع را به همراه دارد. این حدیث، تصور غلط و ناشیانه دوستان جاهل و دشمنان نادان و برخلاف تصور عامیانه برخی مردم، دوستی اهل بیت (علیهم‌السلام) را به تنهایی کافی نمی‌داند، بلکه متابعت از اوصاف مطرح شده، لازم و واجب دانسته شده است. مقاله حاضر با تمرکز بر داده‌های روایی، این حدیث را توصیف و تحلیل کرده است.

کلیدواژه‌ها: ادعای شیعه‌گری، محبت اهل بیت (علیهم‌السلام)، امام باقر (علیه‌السلام)، جابر جعفی، شیعه حقیقی.

مقدمه

خویشاوندی و دوستی نجات‌دهنده نیست (عبس: ۳۳-۴۲)؛ زیرا طبق آیه قرآن، عمل‌گرایی با محبت عجین گشته و دو بال پرواز انسان به سوی کمال است. قرآن کریم بیان می‌دارد: عمل است که انسان را بالا می‌برد و کسی که دوست می‌دارد تبعیت می‌کند (آل عمران: ۳۱ و ۳۲). همچنین می‌فرماید: هر کس بار گناهان خود را به دوش می‌کشد (انعام: ۱۶۶؛ اسراء: ۱۵؛ فاطر: ۱۸) و اعمال خوب و بد اوست که سعادت و شقاوت را به همراه دارد (جاثیه: ۱۵؛ فصلت: ۴۶؛ بقره: ۸۱؛ غافر: ۱۷؛ شوری: ۳۰؛ توبه: ۱۲۰؛ نساء: ۱۴ و ۲۳). از این رو، جهان تکوین بر اساس «محبت» و «عمل» بنیان‌گذاری شده است (انفال: ۵۴؛ رعد: ۱۱) و انسان باید این مرحله از ثبوت قلبی را به مرحله اثبات عملی برساند (کهف: ۸۸).

امروزه این تفکر انحرافی نه تنها در جامعه شیعی رواج پیدا کرده، بلکه در نگاه غیر شیعی نیز بهانه‌ای برای ملامت، طعن و سرکوب شده است. این تلقی صحیح است که اگر دین با محبت همراه گردد، می‌تواند موجب استحکام و انتشار آن شود. اما این تلقی به تنهایی کافی نیست، بلکه اگر قضیه به گونه‌ای دیگر رقم بخورد و در جامعه، محبت‌گرایی صرف، بدون اینکه عملی به آن ضمیمه گردد، شایع شود موجب هبوط و سقوط آن جامعه آمیخته با ریا و فساد خواهد بود. بدین‌رو، بررسی و تحلیل حدیث ادعای شیعه‌گری به حکم محبت اهل بیت علیهم‌السلام از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌گردد. در اهمیت آن، می‌توان گفت: روایت امام باقر علیه‌السلام به نقل جابر از جمله روایاتی است که اهمیت محبت و عمل همزمان را بازگو می‌کند و نگرش محبت تنها را اشتباه می‌داند. از این رو، با توجه به حدیث، نمی‌توان مدعی محبت را، در آخرت اهل نجات دانست. روایت با احتساب تقوای الهی و اطاعت از خداوند، ۱۷ صفت اخلاقی و تربیتی را در حیطه فردی و اجتماعی بیان می‌دارد. در پژوهش حاضر، به دو رویکرد امام‌شناسی و شیعه‌شناسی، توجه داده شده است و از این طریق، مسیر مسلمان و شیعه واقعی در جامعه ترسیم

انسان برای اینکه بتواند به کمال مطلوب برسد، نیازمند فراگیری علم است. این علم باید با عمل همراه گردد تا سعادت فرد و اجتماع را به همراه داشته باشد. عاطفه‌گرایی و محبت‌گرایی از ارزش‌های کلان آموزه‌های دینی است که خداوند آن را درباره خود، پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام بیان داشته است. یک جامعه برای اینکه بتواند به سمت پیشرفت مادی و معنوی سوق داده شود به محبت قانون‌گذاران و مجریان توجه می‌دهد. به گزارش قرآن، سقوط برخی امت‌های گذشته به سبب دوست داشتن خدایان به تنهایی بوده است. انسان ذاتاً به دنبال دوست داشتن و ابراز محبت به موجود مقدس بوده است. این ادعا که مخلوق، خالق را دوست دارد و این تلقی همراه با ادعای دوستی و محبت با خالق بوده، یک بحث مبتلابه و عرفی است. کافران و مشرکان خدایان بشری و غیربشری خود را دوست داشتند و آنان را پرستش و عبادت می‌کردند؛ اما در ورای این محبت، رویکردی وجود داشت که با محبوب‌های خود همراهی کرده، خود را پیرو آنها می‌دانستند. آنان در کنار آموزه‌های شرک‌آلود، آموزه‌های رفتاری و اخلاقی را در حیطه انسانیت، عقلانیت و شرعیت رعایت نمی‌کردند. دوست داشتن امت توسط خدا و پیامبران نیز نمی‌تواند راه نجات را تضمین کند، بلکه آنچه امت و پیروان آن را نجات می‌دهد، عمل پیروان آن امت است. فرزند نوح شخصیتی بود که با توجه به پیامبر بودن پدر و محبت او به فرزند، این عاطفه و محبت به تنهایی، برایش منفعتی نداشت، بلکه آنچه برای آنها منفعت داشت، عمل به فرامین عقل سلیم و شرع راستین بود. فرزند نوح در نتیجه نافرمانی و دوری از عمل‌گرایی غرق شد و محبت پدر به او سودی نبخشید (هود: ۴۵-۴۶). همچنین است همسر حضرت لوط (هود: ۸۱) و برخی زنان و فرزندان امامان معصوم علیهم‌السلام و اصحاب و یاران آنان، که نمونه‌های آشکار تاریخ است. این نمونه‌ها سناریوی محبت‌گرایی تنها را نفی، و رویکرد عمل‌گرایی را ترویج می‌کند. رویکردی که در آن، اصل، نسب،

اللَّهِ، مَا شِيعَتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَ اطَّاعَهُ، وَ مَا كَانُوا يُعْرِفُونَ يَا جَابِرُ، إِلَّا بِالتَّوَّاضِعِ، وَ التَّخَشُّعِ، وَ الْأَمَانَةِ، وَ كَثْرَةِ ذِكْرِ اللَّهِ، وَ الصَّوْمِ، وَ الصَّلَاةِ، وَ الْبِرِّ بِالْوَالِدَيْنِ، وَ التَّعَاهُدِ لِجِيرَانِ مِنَ الْفُقَرَاءِ وَ أَهْلِ الْمَسْكَنَةِ وَ الْعَارِمِينَ وَ الْآيَتَامَ، وَ صَدَقِ الْحَدِيثَ، وَ تَلَاوَةَ الْقُرْآنِ، وَ كَفَّ الْأَلْسُنَ عَنِ النَّاسِ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ، وَ كَانُوا أُمَّتَاءَ عَسَائِرِهِمْ فِي الْأَشْيَاءِ؛ به خدا، شیعه ما نیست، مگر کسی که (۱) از خدا پروا کند (۲) او را اطاعت نماید. ای جابر، این افراد شناخته نمی‌شوند، مگر با (۳) فروتنی (۴) خشوع (۵) امانت (۶) زیاد به یاد خدا بودن (۷) روزه و (۸) نماز (۹) نیکی به پدر و مادر (۱۰) مراعات همسایگان فقیر (۱۱) و مستمند و (۱۲) قرض‌داران و (۱۳) یتیمان و (۱۴) راست‌گویی در سخن و (۱۵) تلاوت قرآن و (۱۶) نگه داشتن زبان از مردم، مگر از نیکی آنها، و (۱۷) اینکه آنها امانت‌نگه‌دار فامیل خویش باشند.

قَالَ جَابِرٌ: فَقُلْتُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، مَا نَعْرِفُ الْيَوْمَ أَحَدًا بِهَذِهِ الصِّفَةِ؛ جابر می‌گوید: عرض کردم: یابن رسول‌الله، ما امروز کسی را با این صفات نمی‌شناسیم!

فَقَالَ: «يَا جَابِرُ، لَا تَذْهَبَنَّ بِكَ الْمَذَاهِبُ، حَسْبُ الرَّجُلِ أَنْ يَقُولَ: أَحِبُّ عَلِيًّا وَ أُتَوَّلَاهُ، ثُمَّ لَا يَكُونُ مَعَ ذَلِكَ فَعَالًا؟!»؛ سپس فرمودند: ای جابر، به راه‌های مختلف مرو! آیا کافی است که مردی بگوید: من علی را دوست دارم و از او پیروی می‌کنم، و با وجود این، فعالیتی نکند (عمل صالحی انجام ندهد)؟! «فَلَوْ قَالَ: إِنِّي أُحِبُّ رَسُولَ اللَّهِ، فَوَسُؤِلَ اللَّهُ ﷺ خَيْرٌ مِنْ عَلِيٍّ ﷺ، ثُمَّ لَا يَتَّبِعُ سِيرَتَهُ وَ لَا يَعْمَلُ بِسُنَّتِهِ، مَا نَفَعَهُ حُبُّهُ إِيَّاهُ سَيِّئًا؟»؛ پس اگر بگوید: من رسول خدا ﷺ را دوست دارم، رسول خدا ﷺ بهتر از علی ﷺ است، اما از رفتار او پیروی نکند و به سنتش عمل ننماید، محبتش به پیغمبر برای او هیچ سودی ندارد.

«فَاتَّقُوا اللَّهَ، وَ اعْمَلُوا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ. لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ، أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - وَ أَكْرَمُهُمْ عَلَيْهِ أَنْفَاهُمْ، وَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِهِ؛» پس از خدا پروا کنید و به خاطر آنچه نزد خداست عمل کنید. خدا با هیچ‌کس خویشی ندارد.

فَاتَّقُوا اللَّهَ، وَ اعْمَلُوا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ. لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ، أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - وَ أَكْرَمُهُمْ عَلَيْهِ أَنْفَاهُمْ، وَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِهِ؛ پس از خدا پروا کنید و به خاطر آنچه نزد خداست عمل کنید. خدا با هیچ‌کس خویشی ندارد.

می‌گردد. از سوی دیگر، هرچه بهتر و شفاف‌تر، تفکر اخلاقی، تربیتی، اعتقادی و سیاسی شیعه در معرض آشنایی مردم جهان قرار می‌گیرد و به اختلاف‌افکنی میان شیعه و سنی خاتمه می‌دهد و ادعای تروریسم خواندن آنان از سوی دشمنان اسلام را رسوا می‌کند و تفکر شیعی را تفکری بالنده و موجب پیشرفت و امنیت واقعی جهان معرفی می‌نماید.

اما سؤالاتی که پژوهش حاضر به دنبال آن است: دلایل قرآنی و روایی در زمینه موقعیت وجودی، علمی و عملی اهل بیت (علیهم‌السلام) چیست؟ آیا بنا بر روایت امام باقر (علیه‌السلام) مدعیان محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) شیعه هستند؟ آیا آنان اهل نجات خواهند بود؟ شیعه حقیقی به چه کسی گفته می‌شود؟ علایم و اوصاف آنان چیست؟ تحلیل‌های منطبق بر شیعیان واقعی کدام است؟

در ادامه، ابتدا حدیث و سند آن مطرح می‌شود، و به سبب پیوند امامت با پیروان واقعی آن، به اجمال جایگاه امام در نظر شیعه، که یکی از مصادیق آن امام باقر (علیه‌السلام) است از نظر قرآن و روایات تبیین و سپس حدیث امام باقر (علیه‌السلام) بررسی و تحلیل می‌گردد.

درباره پیشینه این پژوهش باید گفت: در منابع کهن مطالب زیادی درباره این حدیث وجود دارد که مسئله این پژوهش نیز در آنها به نحوی مطرح شده است؛ اما به صورت منسجم کتاب یا مقاله‌ای درباره آن یافت نشد.

حدیث امام باقر (علیه‌السلام) به جابر جعفی

با توجه به قدمت و اعتبار کتاب اصول کافی، این روایت از کتاب مزبور به نقل کلینی ذکر می‌شود:

عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ، قَالَ: قَالَ لِي: «يَا جَابِرُ، أَيَكْتَفِي مَنْ يَتَّبِعُ التَّشْيِيعَ أَنْ يَقُولَ بِحُبِّنا أَهْلَ الْبَيْتِ؟»؛ جابر می‌گوید: امام باقر (علیه‌السلام) به من فرمودند: ای جابر، آیا کفایت می‌کند کسی که ادعای تشیع کند و بگوید ما اهل بیت (علیهم‌السلام) را دوست داریم؟ (یعنی تشیع را در دوست داشتن اهل بیت (علیهم‌السلام) خلاصه کند و خود را اهل نجات بپندارد). سپس فرمودند: «فَوَ»

دوست‌ترین بندگان خدا و گرامی‌ترینشان نزد او باتقواترین و مطیع‌ترین آنها‌یند.

«یا جابر، وَاللَّهِ مَا يُتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - إِلَّا بِالطَّاعَةِ، وَ مَا مَعَنَا بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ، وَ لَا عَلَى اللَّهِ لِأَحَدٍ مِنْ حُجَّةٍ. مَنْ كَانَ لِلَّهِ مُطِيعًا، فَهُوَ لَنَا وَلِيٌّ، وَ مَنْ كَانَ لِلَّهِ عَاصِيًا فَهُوَ لَنَا عَدُوٌّ، وَ مَا تُنَالُ وَ لَا يُتَنَالُ إِلَّا بِالْعَمَلِ»؛ ای جابر، به خدا سوگند، جز با اطاعت، کسی به خدای تبارک و تعالی نزدیک نمی‌شود، و همراه ما بودن و ادعای محبت داشتن برائت آزادی از دوزخ نیست، و هیچ‌کس بر خدا حجتی ندارد. هر که مطیع خدا باشد دوست ماست و هر که نافرمانی خدا کند دشمن ماست. و ولایت ما جز با عمل کردن به دست نمی‌آید (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، باب الطاعة و التقوی، ح ۳، ص ۱۸۹-۱۹۰؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، مجلس ۴۶، ح ۱، ص ۷۳۵-۷۳۶؛ ورام‌بن فراس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ۱۸۵-۱۸۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ح ۳، باب وجوب طاعت الله، ص ۲۳۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، باب ۴۷ وجوب طاعة الله و رسوله و حججه، ح ۴، ص ۹۱).

سلسله سند روایان حدیث امام باقر علیه السلام و جابر

این روایت با سلسله سند روایان موثق در کتاب‌های معتبر شیعه، از جمله کافی و الامالی شیخ طوسی نقل شده است. شیخ طوسی در الامالی خود، سلسله سند را این‌گونه آورده است:

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيُّ رضي الله عنه فِي يَوْمِ التَّزْوِيَةِ سَنَةِ ثَمَانٍ وَ خَمْسِينَ وَأَرْبَعٍ مِائَةٍ فِي مَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ - قَالَ: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ بْنُ أَبِي جَبْرِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَمْرٍو الْيَمَانِيِّ، عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ.

همچنین در سند دیگری آورده است:

وَ زَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ أَبُو الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ، عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ عليه السلام فَقَالَ لِي: «يَا جَابِرُ...» (طوسی، ۱۴۱۴ق، مجلس ۴۶، ح ۱، ص ۷۳۵).

کلینی پیش‌تر روایت را در اصول کافی این‌گونه آورده است: أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ؛ وَ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعًا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرِ عليه السلام، قَالَ: قَالَ لِي: «يَا جَابِرُ...» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، باب الطاعة و التقوی، ح ۳، ص ۱۸۹).

نگاهی اجمالی به جایگاه اهل‌بیت علیهم السلام و امام محمدباقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام از جمله شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار در جهت تبیین و گسترش معارف اسلامی بودند. اسلام متشکل از قرآن و عترت است. بدین‌روی، جدایی آنها موجب گمراهی امت است (قشیری نیشابوری، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۲۲؛ ابن‌حنبل، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۴؛ ثعلبی نیشابوری، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۸۶؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴-۳).

آیات و روایات فراوانی موقعیت وجودی، علمی و عملی امام را بازگو می‌کند. امام شخصیت منحصر به فردی دارای علم لدنی، منصوب از سوی خدا و دارای مقام عصمت است. امام باقر علیه السلام یکی از مصادیق بارز امام است که از ایشان به عنوان «اهل‌بیت» و «اولی الامر» یاد می‌شود و بنا بر آیه «مودت ذی‌القربی» و «اطاعت»، محبت و اطاعت از آنان واجب گشته است. اینک به چند آیه و روایت در اثبات موقعیت وجودی اهل‌بیت علیهم السلام که یکی از مصادیق آن امام محمدباقر علیه السلام است اشاره می‌گردد:

در آیه «تطهیر»، خداوند می‌فرماید: ﴿وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ أَطِعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب: ۳۳)؛ و در خانه‌های

است. اطاعت در دو مصداق اول ابهامی ندارد؛ اما «اولی الامر» کیست؟ در سلسله طولی اطاعت، ویژگی خاصی در اولی الامر محقق شده که وی قرین اطاعت پیامبر و خداگشته است. لازمه و جوب اطاعت مطلق، ویژگی‌های منحصر به فردی از جمله، انتصاب، عصمت و علم لدنی است؛ زیرا در هندسه عقلی اطاعت، این ویژگی‌ها در نبی قطعی است. در وجود نبی، آنچه موجب اطاعت شده، در اولی الامر نیز موجود است.

فخر رازی در تفسیر آیه، به قطعی بودن وجوب اطاعت از اولی الامر فتوا داده است و علت عمده آن را عصمت می‌داند. منتها، مصداق عصمت را به گونه‌ای تفسیر می‌کند که امام معصوم از آن برداشت نمی‌شود. او در یک تحلیل در خصوص تبعیت از عصمت و نهی از اطاعت از غیر معصوم بیان می‌دارد: اگر شخص معصوم نباشد به خطا امر می‌کند و در این صورت، وجوب اطاعت از خطا محقق می‌گردد. این در حالی است که ما از اطاعت خاطی نهی شده‌ایم؛ زیرا موجب اجتماع امر و نهی می‌گردد. پس معصوم، یا بعض امت و یا کل امت است. بعض امت قابل شناخت نیست و عاجز از وصول آن و فایده بردن از دین و علم او هستیم. بدین روی اجماع امت، که اهل حل و عقد هستند، حجت است (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۱۱۳).

سخن و تحلیل او با اشکالات متعدد و آشکاری روبه‌روست؛ زیرا اولاً، در اصل تعداد اهل حل و عقد، اختلافات اساسی وجود دارد. پس نمی‌تواند اجماع همه امت باشد. ثانیاً، این اجماع با مخالفت بعضی بزرگان صحابه بوده است که همین اعتبار اجماع را نفی می‌کند. ثالثاً، این‌گونه نیست که اجماع امت بیانگر عصمت باشد. آیات فراوانی از نفی تعقل اکثر امت سخن می‌گویند. رابعاً، در قول صحیح، اجماعی حجت است که کاشف از قول معصوم باشد. در جریان اهل حل و عقد، قول معصوم (علی بن ابی طالب) خلاف این اجماع است. پس این اجماع حجتی ندارد. خامساً، مصداق موضوع اجماع، به اتفاق مسلمانان، شخص خاطی

خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید، و زکات بپردازید، و خدا و رسولش را اطاعت کنید. خداوند می‌خواهد پلیدی و گناه را فقط از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد. در این آیه، بیان می‌گردد که اهل بیت (علیهم‌السلام) از جایگاه منحصر به فردی برخوردارند و در تحلیل و تبیین آن گفته شده است: واژه «اهل بیت» در این آیه، بر اصحاب کساء، که همان پنج تن هستند، دلالت دارد، و دلالت آن قطعی بوده و از ظهورات ظنی مبراست. عبیدالله بن احمد حسکانی (از علمای اهل تسنن قرن پنجم) روایات متعددی را بالغ بر ۱۳۷ روایت از روایان موثق نقل می‌کند مبنی بر اینکه آیه «تطهیر» در شأن اصحاب کساء که همان اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌باشند. وی در تبیین آن بیان داشته است: «اصحاب کساء» همان رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، حضرت علی (علیه‌السلام)، فاطمه (علیها‌السلام)، حسن (علیه‌السلام) و حسین (علیه‌السلام) هستند (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۱۸-۱۳۹). فخر رازی نیز حدیث اصحاب کساء را صحیح دانسته، مورد اتفاق اهل تفسیر و حدیث می‌داند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۲۴۸). علمای شیعه نیز از اتفاق و اجماع سخن گفته‌اند که مراد از «اهل بیت» در آیه، اصحاب کسائند، از جمله پیامبر بزرگ اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، حضرت علی (علیه‌السلام)، حضرت فاطمه (علیها‌السلام)، حضرت امام حسن (علیه‌السلام) و حضرت امام حسین (علیه‌السلام) (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶۴۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۸۷؛ ج ۸، ص ۹۳؛ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۵۳ و ۵۶۱؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۳۲ و ۳۴۲؛ ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق، ص ۶۷؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ح ۸۴، ص ۲۷۰؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۰۶؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۱۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ح ۷۴۵، ص ۲۶۹).

یکی دیگر از آیاتی که به معرفی اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌پردازد، آیه «اولی الامر» است. خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء: ۵۹). مفاد آیه وجوب قطعی و مطلق اطاعت را در خدا، رسول و اولی الامر می‌داند؛ اطاعتی که با حرف عطف مقرون گشته

است. بنابراین، اولی الامر باید با رسول سنخیت داشته باشد تا وجوب اطاعت مطلق با معنا باشد. پس وجوب اطاعت مطلق، در فرد و افراد فاقد ویژگی‌های منحصر به فرد، قبیح است. نوبختی وجوب اطاعت را لازمه عصمت می‌داند و بیان می‌دارد: اگر غیر این باشد موجب تسلسل می‌گردد؛ زیرا ما به اطاعت از او مأمور گشته‌ایم. پس اگر امام به معصیت امر کند، موجب تناقض در قول می‌شود. بنابراین، چاره‌ای جز عصمت امام نیست (نوبختی، ۱۴۱۳ق، ص ۷۵).

محقق لاهیجی می‌گوید: اگر مراد از «اولی الامر» افراد معصوم نباشد در این صورت، واگذاری امور مسلمانان به غیر معصوم از سوی خداوند لطف نبوده و چنین عملی قبیح است (ر.ک: لاهیجی، ۱۳۷۲، ص ۱۲۴)؛ زیرا از چنین فرد و گروهی، وقتی از شبهات اعتقادی، فقهی، قضایی، جنگ و به‌طور کلی، امور دین و دنیا سؤال گردد، نباید در پاسخ در مانده شود. از این رو، کسی که اهل تذکر، امر و نهی باشد، واجب‌الاطاعه نیست.

طبق روایات مشهور و معتبر، پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، اهل بیت، امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و اولی الامر را با نام و کنیه، دوازده تن معرفی نموده‌اند که یکی از مصادیق آنان امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ است؛ چنان‌که نقل شده است: جابر بن عبد الله انصاری از پیامبر سؤال کرد: اولی الامر چه کسانی‌اند که خداوند اطاعت آنها را به اطاعت شما قرین ساخته است؟ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اولی الامر را خلفا و ائمه معصوم پس از خود معرفی و اسامی آنها را به شرح ذیل بیان کردند: «أُولَئِهِمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ فِي النَّوَرَةِ بِالْبَاقِرِ، وَ سَتَدْرِكُهُ يَا جَابِرُ، فَإِذَا لَقَيْتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ، ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، ثُمَّ سَمِيئَةَ وَ كَنِيئَةَ حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بَقِيَّتَهُ فِي عِبَادِهِ، ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ...» (صدوق،

۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۵۳؛ راوندی، ۱۴۰۹ق، ح ۴۳۶، ص ۳۶۰-۳۶۱؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق، ص ۳۹۷؛ بحرانی، ۱۳۷۴ق، ج ۲، ح ۲۴۷۶، ص ۱۰۳).

همچنین روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرده از حقیقت علم امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ برداشته، بیان می‌دارد: «اسم اعظم الهی» دارای ۷ حرف است. یک حرف را آصف برخیا داشت که با چشم بر هم زدن، تخت بلقیس را نزد حضرت سلیمان عَلَيْهِ السَّلَامُ آورد، و ۷۲ حرف آن نزد امام است. یک حرف دیگر نزد خداوند در علم غیب مخصوص اوست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ح ۳۰۱، ص ۲۳۰). طبق شواهد قرآنی و روایی، می‌توان گفت: علاوه بر محبت اهل بیت و اولی الامر، باید از آنان اطاعت کنیم تا گفته شود: مسلمان و شیعه واقعی هستیم؛ زیرا آنان از سوی خداوند به کمال و سعادت دنیا و آخرت علم دارند، و محبت تنها نمی‌تواند مدعی محبت را از پیرو حقیقی و شیعه واقعی متمایز کند تا از این طریق، راه نجات و رستگاری را برای خود ترسیم نماییم.

تحلیلی کلی بر هویت ساختاری روایت امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ

روایت امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ به جابر بیانگر نفی ظاهرگرایی و سطحی‌نگری از دین است. رویکرد علم بدون عمل، موجب ملعبه و حذف دین می‌شود؛ تفکر و دیدگاهی که مجوز عبور و نافرمانی از خدا را صادر می‌کند و از دین و مذهب الگویی ارائه می‌دهد که فرد پیراهنی از اسلام بیوشد و داعیه مسلمان بودن و شیعه‌گری سر دهد. این رویکرد، انحراف عمیقی است که در تار و پود نام «مسلمان و شیعه» تنیده شده و عده‌ای به آن رضایت می‌دهند؛ خیال خوشی که هم می‌تواند عبودیت خدا و هم شیطان را به همراه داشته باشد؛ گمانی که با آن می‌توان آخرت را به چنگ آورد و به کام‌های نفسانی و خواسته‌های دنیوی نیز رسید. این رویکرد مجوز می‌دهد در زیر پرچم حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ سینه زد و در زیر علم یزید به رقاصی پرداخت؛ همان تفکر غلطی که در میان برخی مسلمانان و به تبع آن، دولت‌مردان اسلامی از صدر تا به حال وجود داشته است: به نام «مسلمان و صحابه پیامبر»، پرچم خلافت به دوش کشید، قرآن چاپ کرد و نمازهای اول وقت خواند و

دینی، اعم از جهان‌بینی و ایدئولوژی می‌گردد.

۳. عبارت «مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ» به صورت کلی بیان می‌دارد: در مقابل این دستگاه فکری و عملی، دستگاه دیگری قرار دارد که با آن در ضدیت است. بدین‌روی، شیعه واقعی کسی است که در مقابل آن قرار گیرد و از آن ترسد و اطاعت نکند.

۴. عبارت «مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ» به صورت جزئی بیان می‌دارد: شیعه واقعی کسی است که نسبت به دوستان و دشمنان خدا تولی و تبری داشته باشد. روحیه شیعه با سازش و سازگاری دشمنان حقیقی اسلام منافات دارد. بدین‌روی، او از لحاظ سیاسی، باید تربیت شود که فقط از خدا بترسد و از او اطاعت کند و در مقابل دشمنان خدا خوار و ذلیل نباشد و از آنان ترسد و اطاعت ننماید.

۵. دین اسلام برای پیروان خود، برنامه‌های اعتقادی و عملی دارد تا به وسیله آنها، به کمال و سعادت برسند. هر کس در هر شرایطی، چه به لحاظ علمی و چه مالی، باید آموزه‌های دینی را باور داشته باشد و به آنها عمل کند. بنابراین، دکتر، مهندس، تاجر، کارگر، کشاورز و مانند آنها، خواه فقیر و خواه غنی، همه در پیشگاه خداوند یکسانند و ارزش آنها در دنیا و آخرت، در عمل به این آموزه‌هاست تا مسلمان و شیعه حقیقی باشند. شواهد نشان داده است که این افراد انسان‌های موفق و تأثیرگذاری بوده‌اند.

۶. برنامه‌های علمی و عملی اسلام دارای فواید دنیوی و اخروی است. دست‌کم، می‌توان گفت: امروزه با پیشرفت علوم، از جمله روان‌شناسی، علوم تجربی، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، برنامه‌های اعتقادی و عملی، که در حدیث عنوان گشته، از سوی آنان آزموده شده و بیان داشته‌اند که اجرای این برنامه‌ها برای سلامتی و آرامش جسم و روح مفید است.

۷. جهان‌بینی (هستی‌شناسی و واقع‌شناسی) اسلام تنها در امور مادی و دنیوی خلاصه نمی‌شود، بلکه امور ماورایی و روحانی را نیز دربر دارد. از این‌روی، ایدئولوژی (برنامه‌های) اسلام با توجه به این دو بُعد، تنظیم گشته که نتیجه‌اش فواید دنیوی و اخروی است.

فتوا به مرتد بودن و حلال بودن مال و جان و ناموس مسلمانان داد و با دشمنان اسلام سرسختانه دوستی کرد، اما از معارف اسلامی و اخلاقیات ناب اسلام بهره‌ای نداشت. این عده به جای اطاعت از خدا، از هوای نفس و شیطا طاعت می‌کنند. این روایت ترسیم دقیقی از اسلام حقیقی و مسلمان و شیعه واقعی است. هندسه عمل‌گرایی پس از عاطفه‌گرایی، وجه اهمیت این حدیث شریف است. این حدیث عمل‌گرایی را اوج کمال انسانی معرفی می‌نماید. به ویژه مکتبی که داعیه وجود محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) دارد بر وجوب پیروی از الگوی حسنه تأکید می‌ورزد. در پرتو ایمان و عمل، انسان می‌تواند مسیر کمال حقیقی را بییماید. تلقی ایمان و محبت تنهایی، تصور غلط یک مسلمان و شیعه است. این رویکرد نمی‌تواند سعادت دنیا و آخرت فرد و جامعه را تضمین کند؛ زیرا «ایمان» و «عمل»، دو بال است که به پرند قدرت پرواز داده، او را به هدف می‌رساند.

تحلیلی تفصیلی بر هویت محتوایی روایت

آنچه اجمالاً از تحلیل فقرات اعتقادی، اخلاقی، تربیتی و سیاسی حدیث شریف به دست می‌آید، می‌تواند آن را به صورت مطابقی و التزامی و حتی جزئی و کلی تحلیل، تفسیر و تبیین نماید. از این‌روی، با توجه به اهمیت فراوان حدیث و طولانی نشدن تحلیل، برخی فقرات به عنوان نمونه بیان می‌گردد. دیگر فقرات هم با آن همپوشانی دارد و دربرگیرنده آنها نیز هست. همچنین با توجه به بدیهی بودن مفاهیم، از توضیح آنها صرف نظر می‌کنیم.

الف. فقره «فَوَاللَّهِ مَا شِيعْتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ، وَمَا كَانُوا يُعْرِفُونُ يَا جَابِرُ، إِلَّا بِالْتَوَاضِعِ، وَالتَّخَشُّعِ، وَالأَمَانَةِ، وَكَثْرَةِ ذِكْرِ اللَّهِ وَ الصُّومِ...»:

۱. مصادیق اعتقادی، اخلاقی و تربیتی روایت می‌تواند از باب نمونه بوده و دربرگیرنده دیگر نکات اخلاقی و تربیتی، از جمله حسد، غیبت، غیرت، ریا، تولی و تبری نیز باشد.

۲. عبارت «مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ» مطلق است و دربرگیرنده تمام اوامر و نواهی خدا در زمینه‌های گوناگون

اخلاقی، مصداق روشن شیعه واقعی بود. مردم شریف ایران نیز، اعم از مرد و زن، به درخواست این مرد بزرگ و با الگوگیری از قیام حسین بن علی علیه السلام پاسخ دادند و در راه اسلام، جان و مال خود را نثار کردند. زندگی نامه‌ها و وصیت نامه‌های شهیدان نیز گواه آشکاری از جهاد آنان در میدان اصغر و اکبر است. از این رو، می‌توان گفت: آنچه ما را در زندگی فردی و اجتماعی به سعادت و خوشبختی می‌رساند لبیک گفتن به پیام امام باقر علیه السلام در همراه ساختن عمل با محبت است.

۱۱. خدامحوری و اطاعت از خدا، شالوده حقیقی تفکر و رفتار مسلمان واقعی است. مسلمان واقعی به دنبال معرفت و اطاعت خداست و تمام کارهای خود را بر اساس رضایت خدا انجام می‌دهد.

۱۲. ترس و اطاعت از خدا، شجاعت و نافرمانی در مقابل دشمن را به همراه دارد.

۱۳. چون خداوند مؤمن را آفریده است، او خود را بنده خدا می‌داند و از بندگی غیر خدا آزاد است. بدین روی، در قبال بندگی خدا، کسب فضایل و دفع رذایل اخلاقی در حوزه‌های فردی و اجتماعی لازم گشته است.

ب. بقره «یا جَابِرُ، وَ اللَّهُ مَا يَتَّقِبُ إِلَى اللَّهِ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - إِلَّا بِالطَّاعَةِ، وَ مَا مَعَنَا بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ، وَ لَا عَلَى اللَّهِ لِأَحَدٍ مِنْ حُجَّةٍ. مَنْ كَانَ لِلَّهِ مُطِيعاً، فَهُوَ لَنَا وَ لِي، وَ مَنْ كَانَ لِلَّهِ عَاصِياً فَهُوَ لَنَا عَدُوٌّ. وَ مَا تُنَالُ إِلَّا بِتَتَابُعِ اللَّهِ بِالْعَمَلِ»:

۱. این فقره به‌طور کلی بیان می‌دارد: علاوه بر علم‌گرایی، عمل‌گرایی نیز یکی از اهداف بلند دین اسلام است که سعادت و نجات دنیا و آخرت را تضمین می‌کند. سوره «عصر»، همراهی علم و عمل را موجب سعادت و نجات می‌داند. در این سوره، بیان می‌دارد: مادام که انسان علم و عمل صالح ندارد در زیان و خسران است: «وَ الْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»؛ به عصر سوگند که انسان‌ها، همه در زیانند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند.

۸. به‌طور کلی، برنامه‌های فکری و عملی شیعیان واقعی فقط شامل امور فردی نمی‌شود، بلکه دربرگیرنده امور اجتماعی نیز هست. به عبارت دیگر، حدیث مزبور به صورت جزئی، وظیفه اخلاقی را در دو حوزه فردی و اجتماعی بیان می‌دارد. یک مسلمان و شیعه واقعی و محب اهل بیت علیهم السلام علاوه بر اینکه به اخلاق فردی پایبند است، باید به اخلاق اجتماعی نیز پایبند باشد. پس اسلام یک دین فردی نیست، بلکه دین اجتماعی و سیاسی نیز هست.

۹. با توجه به شواهد تاریخی و قرآنی، مصداق تام تقوای الهی و اطاعت از خداوند، انبیای الهی است. همه انبیای الهی و پس از ایشان، امامان معصوم علیهم السلام این اوصاف اعتقادی، اخلاقی و تربیتی را به نحو کامل دارند و آنها را در وجود و رفتار خود نهادینه ساخته‌اند. آنان علاوه بر اینکه وظایف فردی خود از قبیل تواضع، خشوع، نماز، روزه و یاد خداوند را به جای می‌آورند، به وظایف اجتماعی خود از قبیل راست‌گویی، امانت‌داری، کمک به فقرا، مساکین و ایتم نیز عمل می‌کنند.

۱۰. با توجه به شواهد تاریخی و روایی، مصادیق بارز شیعیان واقعی سلمان فارسی، ابوذر غفاری، بلال حبشی، عمار، یاسر، سمیه، کمیل بن زیاد، ابو حمزه ثمالی و مالک اشتر هستند. آنان علاوه بر محبت به خدا و پیامبر و اهل بیت علیهم السلام از لحاظ عملی نیز راه آنان را پیروی کردند. چه بسیار علما و فقهایی که قبل و بعد از غیبت امام زمان علیه السلام برای تحقق شعائر اسلام، رنج‌ها کشیدند، حتی در این راه، مانند پیامبران الهی و امامان معصوم علیهم السلام، جان و مال و فرزندان‌شان را در راه خدا نثار نمودند تا بتوانند اسلام واقعی را زنده نگاه‌دارند. آنان در این راه، تقوای الهی داشتند و از خدا اطاعت کردند و اوصاف اخلاقی را در نهاد خود پیاده ساختند و موجب تقویت و گسترش اسلام شدند.

یکی از مصادیق بارز مسلمان و شیعه واقعی، امام خمینی ره بود که در مقابل هجوم‌های وسیع دشمنان اسلام، ایستادگی کرد و قیام عظیمی را با اطاعت از خدا و رسول او و امامان معصوم علیهم السلام به سرانجام رساند. او به لحاظ اعتقادی و

سعادت و شقاوت را به همراه دارد (جاثیه: ۱۵؛ فصلت: ۴۶؛ بقره: ۸۱؛ غافر: ۱۷؛ شوری: ۳۰؛ توبه: ۱۲۰؛ نساء: ۱۴). از این رو، جهان تکوین بر اساس محبت و عمل، بنیان‌گذاری شده است (انفال: ۵۴؛ رعد: ۱۱) و انسان باید این مرحله از ثبوت قلبی را به مرحله اثبات عملی برساند (کهف: ۸۸). چنان‌که امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «آه از توشه اندک و درازی راه و دوری منزل و سختی محل و ورود» (نهج البلاغه، کلمات قصار ۷۷) بیانگر نفی محبت‌گرایی به تنهایی و توجه به عمل‌گرایی است.

اینک برخی مستندات قرآنی را یادآور می‌شویم:
 - «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْتَلِنَ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّي أَخَافُ أَنْ تُكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (هود: ۴۶)؛ فرمود ای نوح، او از اهل تو نیست! او عمل غیر صالحی است [فرد ناشایستی است]! پس آنچه را از آن آگاه نیستی از من مخواه! من به تو اندرز می‌دهم تا از جاهلان نباشی.

- «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷)؛ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، درحالی‌که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آنها را به خاطر بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.

- «وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَ سَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا» (کهف: ۸۸)؛ و اما کسی که ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، پاداشی نیکوتر خواهد داشت و ما دستور آسانی به او خواهیم داد.

- «وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ» (هود: ۴۵)؛ نوح به پروردگارش عرض کرد: «پروردگارا، پسر من از خاندان من است و وعده تو (درباره نجات خاندانم) حق است و تو از همه حکم‌کنندگان برتری!

- «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ

هرچند در این سوره، «ایمان» و «عمل صالح» آمده، اما چون علم، مقدمه ایمان است، ایمان مبتنی و متأخر بر علم مطرح می‌شود؛ یعنی ایمان بدون علم ممکن نیست. علم تنها هم موجب نمی‌شود که انسان ایمان بیاورد؛ زیرا هواهای نفسانی او ممکن است نگذارد انسان به علم خودش، که ایمان آوردن است، دست پیدا کند، هرچند ایمان به خدا و روز قیامت نیز می‌تواند عمل صالح باشد.

۲. عاطفه و علم بدون عمل، موجب سعادت و نجات نخواهد بود. قرآن بیان می‌دارد: کسی که مرا دوست داشته باشد از من تبعیت می‌کند: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران: ۳۱). همچنین می‌فرماید: عمل صالح است که شما را بالا می‌برد. عاطفه تنها و علم بدون عمل دورویگردانحرافی است که شقاوت را به دنبال دارد.

۳. دوست داشتن خدا و پیامبران نیز نمی‌تواند نجات را تضمین کند، بلکه آنچه امت و پیروان آن را نجات می‌دهد، عمل ایشان است. در فرزند حضرت نوح، با توجه به پیامبر بودن پدرش و محبت او به فرزند و بالعکس، عاطفه و محبت تنها منفعتی نداشت، بلکه آنچه برای آنها منفعت داشت عمل به فرامین عقل سلیم و شرع راستین بود. فرزند نوح در نتیجه نافرمانی غرق شد و محبت پدری به او سودی نبخشید (هود: ۴۵-۴۶).

همچنین همسر حضرت لوط (هود: ۸۱) و برخی زنان و فرزندان امامان معصوم (علیهم‌السلام) و اصحاب و یاران آنان، که نمونه‌های آشکار تاریخ است، نظریه «محبت‌گرایی تنها» را نفی نموده، رویکرد «عمل‌گرایی» را ترویج می‌کند. در رویکرد اخیر، اصل، نسب، خویشاوندی و دوستی نجات‌دهنده نخواهد بود (عبس: ۳۳-۴۲)؛ زیرا طبق آیه قرآن، عمل‌گرایی با محبت عجین گشته و دو بال پرواز انسان به سوی کمال است. قرآن بیان می‌دارد: عمل است که انسان را بالا می‌برد و کسی که دوست می‌دارد تبعیت می‌کند (آل عمران: ۳۱ و ۳۲).

قرآن می‌فرماید: هر کس باید بارگناهان خود را به دوش بکشد (انعام: ۱۶۴؛ اسراء: ۱۵؛ فاطر: ۱۸) و اعمال خوب و بد او

سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟! نزد خدا موجب خشم بسیار است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید!

۸. در بیان قرآن آمده است: کسی می‌خواهد از دنیا برود؛ به خداوند می‌گوید: مرا به دنیا بازگردان تا اعمال صالح انجام دهم. اما دیگر او بازگردانده نمی‌شود و پس از مرگ وارد عالم برزخ می‌گردد. هرچند این آیه وضعیت کافران را در مقابل مؤمنان بیان می‌دارد؛ یعنی عمل نکردن کافران به عمل صالح و آرزوی بازگشت به دنیا برای جبران انکار آموزه‌های اعتقادی و عملی، اما مؤمنان را هم که عمل صالح انجام نداده‌اند دربر می‌گیرد. آنان هم بنا بر تناسب عمل نکردن عالمانه و عامدانه، آرزوی برگشت به دنیا را می‌کنند. وضعیت این افراد را برخی از آیات سوره «مؤمنون» این‌گونه ترسیم می‌کند: ﴿وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبَّ أَنْ يَحْضُرُونِي حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِي لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ فَاِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾؛ و بگو: پروردگارا، از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم! و از اینکه آنان نزد من حاضر شوند (نیز) - ای پروردگار من - به تو پناه می‌برم! (آنها همچنان به راه غلط خود ادامه می‌دهند) تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرارسد، می‌گوید: پروردگارا، مرا بازگردان! شاید در آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم! (ولی به او می‌گویند: چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می‌گوید (و اگر بازگردد، کارش همچون گذشته است!) و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند. هنگامی که در صور دمیده شود، هیچ پیوند خویشاوندی میان آنها در آن روز نخواهد بود و از یکدیگر تقاضای کمک نمی‌کنند (چون کاری از کسی ساخته نیست!) و کسانی که وزنه اعمالشان سنگین است، همان رستگارانند.

تُرْجَعُونَ﴾ (جانبه: ۱۵)؛ هر کس کار شایسته‌ای بجا آورد برای خود بجا آورده است، و کسی که کار بد می‌کند به زیان خود اوست؛ سپس همه‌شما به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید.

۴. برای رسیدن به سعادت و خوشبختی و سیمای واقعی شیعه حقیقی، باید علم، عاطفه و عمل در وجود انسان نهادینه گردد.

۵. مسلمانان در دوست داشتن اهل بیت (علیهم‌السلام)، دو قسم هستند: یکی دوستان اهل بیت (علیهم‌السلام)، و دیگری شیعیان. به عبارت دیگر، برخی عمل نمی‌کنند و یا در عمل ضعیف هستند؛ فقط دوستان اهل بیت (علیهم‌السلام) هستند. اما برخی علاوه بر محبت اهل بیت، عمل هم می‌کنند. اینان شیعه هستند.

۶. به لحاظ عقلی، کسی که شخصی را دوست دارد، برای اینکه او را خوشحال کند، کارهایی را انجام می‌دهد که او دوست دارد، و به عبارت دیگر، از او اطاعت می‌کند. این تلقی مثل آن است که کسی مادر و پدر خود را دوست دارد و آنها به او می‌گویند: برای ما آب بیاور. او در پاسخ می‌گوید: من شما را دوست دارم، اما برایتان آب نمی‌آورم. خداوند می‌فرماید: «بگو: اگر مرا دوست دارید از من اطاعت کنید» (آل عمران: ۳۱).

۷. انسان دین‌داری که خوبی‌ها و بدی‌ها را شناخته است و درست عمل نمی‌کند موجبات مسخره کردن و توهین به دین را فراهم ساخته است. دشمنان دین این رویکرد علم‌گرایی را مخرب دین می‌دانند و در این صورت، دست از دشمنی با آن برمی‌دارند؛ زیرا این تفکر به تنهایی دین را با دست پیروانش به نابودی می‌کشاند. چنین دینی اصلاً دشمن نخواهد داشت؛ زیرا این نوع تلقی در اصل، همان دین باطل دشمن است که خود مسلمانان با اختیار از آن پیروی می‌کنند. اسلام منهای عمل هیچ آسیبی به دشمنان خدا و پیامبران نمی‌رساند. از این رو، قرآن کریم کسانی که به کارهای نیک دستور می‌دهند و خود از آن سرباز می‌زنند توبیخ می‌کند؛ زیرا این کار خشم خداوند را به دنبال دارد. خداوند در سوره «صف» می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا

نتیجه‌گیری

رابطه ناگسستنی بین مرید و مراد وجود دارد و صرف ادعای محبت و مرید بودن نمی‌تواند این وابستگی را نشان دهد. یکی از مصادیق بارز محبت رابطه بین امام و پیروان اوست. حدیث امام باقر (علیه‌السلام) به جابر تصویر شیعیان واقعی را ترسیم می‌کند و از محبت تنها عبور کرده، در میدان عمل، آنان را نشان می‌دهد؛ زیرا در پرتو محبت واقعی است که انسان ساخته می‌شود و جامعه به آرامش می‌رسد. این تلقی به پیروان خود فرصت می‌دهد تا استعدادهای خود را با توجه به حقایق دنیوی و اخروی شکوفا سازند. از این رو، انسان با توجه به ساختار وجودی خود، اعم از پیروی از هواهای نفسانی و راحت‌طلبی، به دنبال این بوده است که حقیقت و سعادت را با ظن و گمان خود تفسیر کند و گاه موجبات گمراهی خود و اجتماع را فراهم ساخته است. امام محمدباقر (علیه‌السلام) به عنوان محبوب، با نقش هدایتگری خود، این انحراف فکری را رصد نموده و درصدد مبارزه با آن برآمده‌اند. ایشان اعلام می‌دارند که محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) به تنهایی نمی‌تواند موجبات سعادت فرد و جامعه را فراهم سازد، بلکه آمیختگی عاطفه و علم در پرتو عمل، می‌تواند از انسان، یک پیرو و محب واقعی بسازد. بدین‌رو، برای پیروان و بندگان حقیقی ۱۷ دستورالعمل اعتقادی، اخلاقی و تربیتی صادر کرده‌اند و ملاک شیعه واقعی را عمل کردن در این میادین دانسته‌اند.

منابع

- ابن ابی‌زینب، محمدبن ابراهیم، ۱۳۹۷ق، *الغیبة للنعمانی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، صدوق.
- ابن حنبل، احمدبن، ۱۴۱۸ق، *المسند*، قاهره، دارالحدیث.
- بحرانی، سیدهاشم، ۱۴۱۷ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- ثعلبی نیشابوری، احمدبن ابراهیم، ۱۴۲۲ق، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حراعلی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *تفصیل وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- ، ۱۴۲۵ق، *اثبات الهداة بالانصوص والمعجزات*، بیروت، دارالفکر.
- حسکانی، عبیدالله بن احمد، ۱۴۱۱ق، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تحقیق محمدباقر محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- راوندی، قطب‌الدین، ۱۴۰۹ق، *قصص الانبیاء*، مشهد، مرتضی.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۶۲، *الخصال*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- ، ۱۳۹۵ق، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، چ دوم، تهران، اسلامیه.
- طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۳۹۰ق، *إعلام‌النوری بأعلام‌الهدی*، قم، آل‌البیت.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴ق، *الأمانی*، قم، دارالثقافه.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعة، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نورالثقلین*، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، چ چهارم، قم، اسماعیلیان.
- فخررازی، محمدبن عمر، ۱۴۲۰ق، *مفاتیح‌الغیب*، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، *تفسیر فرات الکوفی*، تحقیق محمدکاظم محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۰۶ق، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام).
- قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، بی‌تا، *صحیح مسلم*، بیروت، دارالاجل.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، *تفسیر القمی*، چ سوم، قم، دارالکتاب.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ چهارم، تهران، دارالکتب اسلامیه.
- ، ۱۴۲۹ق، *الکافی*، قم، دارالحدیث.
- لاهیجی، فیاض، ۱۳۷۲، *سرمایه ایمان در اصول اعتقادات*، تصحیح صادق لاریجانی، چ سوم، تهران، الزهراء.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحارالانوار*، چ دوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- نوبختی، ابواسحاق ابراهیم، ۱۴۱۳ق، *الباقوت فی علم الکلام*، تحقیق علی‌اکبر ضیائی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ورام‌بن ابی‌فراس، مسعودبن عیسی، ۱۴۱۰ق، *تسبیح‌الخواطر و نزه‌النواظر*، قم، مکتبه الفقیه.
- هلالی، سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، تصحیح محمد انصاری، قم، الهادی.